

شایسته است که در روزگار بی‌تابان است و دمار روزگار و در پیج سخنران بود به بوردت که شیخ میرزا بهر سپاس چو کرم کز آن آید
 فیضان الله

کتابچشم و خنده و حای دولت جاودت پادشاه ماکت پناه و حاجک شبها بر بحر مظهر سعادت بر زور صدقه شهر باقی بود و در روز شرفی از آن که در خلد الله تعالی است

نفس است در جادوانی که دوینده مرادات بگشاید سعادت عن میان الله و جلاله نام اسباب انعام الی الله است عمل نظم را اورد اما بیضا نند بر

ملک فریب صفدر گران داد چون بر نشانی یک و خردت هدم است که عذوبات بجز در این اوقات نماند و چون در خود او چه در بجز در این

بر هر که سواد و یاد و بدین و بیگانه همیشه درین حکام است ز نام کزین زنده و خلفه السیر که در میان سیدار و سیدار در مردم و در آن که در این

هدم و فریب است یک و خردت خود را و نظایر این نیز باشد و در نام با و شور و بارش در خدمت بر سر است مزایای که با نسیخ از کتب

در جو و معروف است روز قریب الاثر من لهم و هم در اسم الله که در خدای که بر امامت کفر حقایق که در آن کثرت که در کثرت

میدان نیز است که در روزی که در میزاید سخت اگر این نام داد و آونی بود که در خدمت نام در خدمت نام در خدمت نام در خدمت نام در خدمت نام

مردمان روزگار که در خدمت و در این اسم الله که در هر روز هم در کتب این نظم بیزاران که در کتب این نظم بیزاران که در کتب این نظم بیزاران

بزرگ داد و در کتب این نظم بیزاران که در کتب این نظم بیزاران که در کتب این نظم بیزاران که در کتب این نظم بیزاران

بر مرآت پاک و صفحه تابناک ضمیر منیر پادشاه کشورگیر، ماه افسر کیوان سریر، مجره کمند ثریا علم، آسمان موکب انجم حشم، پناه با احسان مجد و جلال دریای طوفان زای نجد و اقباء، برنس افراز دیر نبالت و برتری، صلیب آویز جیب جلالت و سروری، آفتاب مشرق دولت تاجداری، سایه خورشید شهامت و شهریاری، خسرو خصم انداز خدیو گردون فراز، اسکندر جهان گرد، دارای پسندیده عهد، ایمپراطور اعظم نامدار اکرم کامکار که همواره مظفر و دولتیار باد منطیع و مرتسم میدارد که امروز بر همه جهان روشن و عیان و بر هر صاحب بصیرتی واضح و نمایان است که دوستی و التیامی که میانه دولت فرانسه و ایران استحکام یافته اساسی است پا برجاست که بنیانش از صدق و صفاست و ارکانش از وفاق و وفا، شرابی است صاف که مذاق جان از آن درد خلاف نچشیده و رشته‌ایست محکم که دیده امتحان در آن نقص پیوند ندیده. دل‌های جانبین ساغرست از باده محبت لبریز و محبت طرفین پادهاست در بزم وفا نشاءریز. اراده ازل این دودولت پایدار را بیکدیگر پیوسته و علاقه لمیزل میانه ایندو عقد مطابقت بسته بنای این الفت مصون از رخنه کلفت آن و این است و گزار این مودت آسوده از دستبرد هر گلچین و چنانکه از اوضاع این حدود و تحریرات مجددت و نجدت پناه نبالت و جلالت انتباه الاختبارالاکابر و الامراء جنرال غاردان خان و تقریرات کیاست و فراست اکتناه مهندس هوشمند آگاه موسیو لامی بر رأی ملک آرا معلوم و هویدا خواهد شد، اگر روزی بنا بر مصلحتی تأسیس اساس و مواساتی با انگریز شده باز بملاحظه این است که از آنطرف همت بلند آن خسرو ارجمند بانتظام مناظم اسپانیا و دیگر امور مقصور بوده و فرصتی نمودند که بمقتضای عهد مودت میان دولت ایران و روس دفع مواد خصومت فرمایند و از اینطرف نیز الی الآن فراغتی از مجادله و ستیز روسیه دست نداده که بفراغ خاطر و وسع بال ابواب بآس و نکال بر چهره فتنه‌انگیزان انگریز گشایند و اگر چه اطمینانی تمام براستی گفتار و درستی کردار آنخسرو اسکندر احتشام حاصل و یقینی کامل است که خلاف عهد مودت و ایتلاف از طرف زاهرالشرف ایمپراطوری نسبت بایندولت ظاهر نخواهد شد لیکن چون بمشاغل چند که شاغل همت بلند آنشهریار نیکوکار بوده هنوز اثری از عهد دوستی ظاهر نگردیده، سواران جرار و سربازان آتشبار ایندولت پایدار نیز که نمودار آتش و آب اند با دل‌های قوی حفظ سرحدات مملکت را از تعرض روس و انگریز مهیا و آماده‌اند که از هر طرف آتش بلائی شعله‌ور گردد، بآب تیغ آتشبارش فرو نشاندند و از هر سو سیل بلائی منحدر آید با سد آهنین حسامش متصرف سازند و مترصد است که عتغریب آثار مودت از طرف اشرف ایمپراطوری ظاهر گردیده فوایدی که برای دولتین فرانسه و ایران در ضمن این مطابقت متصور است جلوه‌گر و آثار آن فایض و منتشر شود و چون فطانت همراه

زبدۃ‌الاشباه مهندس کارآگاه موسیو لآمی در اینمذت بمقتضای اتحاد دو دولت فرانسه و ایران رنج و مشقت بینهایت در خدمت محوله بخود کشیده، مترقب است که محض یگانگی دولتین او را بزبیدی جاه و منصب مخصوص فرمایند که نشانی مواحدت دو دولت خواهد بود و همه اوقات نیز مترصد است که از مؤده فتوحات لشکر منصور خاطر هواداران را خرم و مسرور سازند. تا آسمان محیط زمین را آرایش از اردبیهشت و فروردین است تخت فیروز بخت دولت از وجود همایون با تزیین باد.»^(۱)

در بالای نامه محل مهر عباس میرزا

نامه عباس میرزا نایب‌السلطنه به عسکرخان

«حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت پناه ارادت و صداقت آگاه مجددت و نجذت انتباه شهامت و بسالت اکتناه سفیر فرزانه آگاه عمده خوانین کبار عسکرخان سالار عساکر افشار بعوارف سلطانی مستظهر و بعواطف خاطر مرحمت مبانی مستبشر بوده بدانند که درین سال فرخنده فال بعد از آنکه بنا بر اظهار عالیجاه مجددت و نجذت انتباه زبده‌الامراءالمسیحیه جنرال غاردان خان بنای کار بر این شد که تا معاودت آن عالیجاه یا رسیدن خبری از دولت علیه فرانسه طریق متارکه مسلوک بوده از عساکر دولت علیه و سپاه روس آسیبی و تعرضی بیکدیگر نرسد و عالیجاه جنرال مشارالیه تعهد نامه مشعر بر ترک مجادله روسیه با عساکر دولت قاره بکارگزاران ما سپرده حجتی هم از آنها دریافت نمود که از طرف نواب والا جنگ و جدالی رو ندهد و بهمین خصوص یکی از کسان خود را روانه نزد گودویچ سردار روسیه نموده با این اطمینان نواب والا نیز عساکر پادشاهی را از سلطانیه برکاب ظفرنگار احضار فرموده خاطر جمعی کامل داشتیم که روسیه حفظ دوستی دولت علیه و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه و اتحاد شوکتینفرانسه و ایران را مرعی داشته خلاف قرارداد نخرانند نمود و گودویچ اولاً بسخن عالیجاه جنرال و نوشته و فرستاده او التفاتی ننموده بناگاه خود در اول سردی هوا با گروهی بی شمار قاصد ایروان گردید و از طرف نخجوان نیز جمعیتی انبوه بولایت مزبور فرستاد ما نیز چون سپاهی مستعد از عساکر منصوره در رکاب مستطاب نداشتیم امر قلعه ایروان را حسب‌الوقوع مضبوط کرده ایلات و رعایای آنجا را در محکمه جا داده حکم بکوچیدن ایل و رعیت نخجوان فرمودیم و برای اینکه روسیه مأمور بنخجوان را ووجه همت بلند ساخته میانه سیستان و نخجوان آنها را ملاقات و صدمه و ضربی کلی به آنها زده



سند شماره ۹۸ - نامه عباس میرزا به ناپلئون

قتل و اسیری کامل از آنها فرمودیم و چون اطمینان کامل از کار ایروان حاصل فرموده و سپاه منصور نیز هنوز برکاب والا نرسیده بودند و یقین داشتیم که روسیه نخجوان تا مدتی مدید تدارک شکستگی خود را خواهند نمود. بنای توقف را در اینطرف آب ارس گذاشته اهمیت والا نهمت را بجمع آوردن سپاه و تهیه کار جنگ مصروف فرمودیم و چون حقیقت این اخبار بدربار دولت گردون مدار رسیده و عالیجاه جنرال مشارالیه نیز مستحضر گردیده بود عالیجاه صداقت آگاه لاژارخان را روانه نزد غراف گودویچ سردار روسیه نموده که شاید مشارالیه بی آنکه میانه دو سپاه کار بجنگ و جدال کلی کشد دست از محاصره قلعه کشیده تا رسیدن خیر از دربار دولت علیه فرانسه بمتارکه راضی گردد و گودویچ باز بسخن عالیجاه موسی لاژار نیز التفات و اعتنائی ننموده دست از مجادله باز نداشت و چون می دانست که مجرد آنکه سپاه نصرت پناه در معسکروالا مجتمع گردند او را مجال و امان نداده متفرق و پربشان خواهیم ساخت وقت را غنیمت دانسته شب نهم شوال دو ساعت بصبح مانده با همه سپاه خود از هر طرف بجانب قلعه رو کردند. مستحفظین قلعه نیز که با دل‌های قوی مشغول حفظ و حراست بودند از یورش ایشان اندیشناک نشده چندان تأمل نمودند که تمامی سپاه روسیه از خندق عبور و پهای دیوار رسیدند نردبانها را بپدنه برج و حصار گذاشته بودند بعد از آن تفنگچیان آتشبار قلعه از هر طرف مانند ابرهای برق‌انگیز شروع بشراهه ریزی کردند بخواست خدا و باقبال بزوال اعلیحضرت قدر قدرت خسرو ملک گشا قتل‌چنان در آن سامان تقدیم کردند که درون و بیرون خندق و پای برج دیوار از هر طرف پراز تنهای کشتگان روسی شده در هر جانب از کشته پشته بلند عیان گردید و خون ایشان مانند جوی روان گشت و تمامی تفنگ و سلاح و نشان صاحب نشانهای ایشان بدست محافظین قلعه افتاده تدارکی تازه برای قلعه از اسلحه آنها مقدور و میسر گردید و بغیر معدودی از ایشان که با مشقت و تلاش بسیار جانی سلامت برده بسنگر خود رسیدند بقیه ایشان عرض فنا و دمار شده سه هزار کس مقتول و دو هزار نفر آنها مجروح گردید و چون مقارن آن حال دلاوران جنگجو نیز از اطراف و اکناف فوج فوج برکاب مستطاب منصور می رسیدند ایروان و نخجوان فرمودیم و عقاب رایت ظفرنگار را نیز بجناح حرکت آورده متعاقب پیشروان سپاه ظفرپناه قاصد و عازم دفع و رفع روسیه بودیم و خبر عزیمت سپاه و اراده حرکت موکب فیروزی همراه نیز بسردار روسیه رسیده و یقین داشت که مجرد آنکه موکب فیروزی کوکب والا بار دیگر بعزم خصم افکنی و دشمن شکاری حرکت نماید دو سپاه او را پای ثبات و قرار نخواهد بود لابد و ناچار هنوز عالیجاه رفیعجایگاه امیرالامراء العظام حسین خان سردار بیگلربیگی ایروان که با سپاه بجانب ایروان مامور شده بود بخارج قلعه ایروان نرسیده و عالیجاه رفیعجایگاه زبده الامراء الکرام علی خان قاجار

بظاهر شهر نخجوان وارد نگردیده بودند که سردار روسیه چاره کار خود را در معاودت و فرار دیده خود و روسیه ایروان نیشی از خارج ایروان بحدود گرجستان فرار و از روسیه نخجوان نیز بجانب قراباغ فراری گردیده از یکطرف موکب والا نیز که تحریک لواء عزیمت نموده بود در آنطرف نخجوان روسیه را ملاقات و از طرف دیگر سپاه ظفر پناه منصور که بایروان مامور گردیده بودند در چهار فرسخی ایروان روسیه آنجا را دریافته چهار منزل آنها را تعاقب نمودیم و در هر منزل جمعی کثیر و جمعی غفیر از آنها کشته و مجروح و گرفتار و اسیر گردید و چنان صدمه و شکستی به آنها رسید که همه عراده و بیشتر قورخانه و اسلحه خود را سوخته و ریخته کوه بکوه از بیم جان فرار و پی سپهر طریق خذلان گردیدند و بحمدالله المنه دشمنی که به پیروزی خود مغرور بود چنان مقهور و مکسور و ابواب بلا بر روی او مفتوح گردید که بیخ و بن سنگ و خاری را محل سلامت خود می ساخت و از تفضلات بالغه الهی ضرب و صدمه و شکستی به آنها رسید که امروز از نخجوان و ایروان تا چند منزل همه جا تنهای کشتگان آنها ریخته و خاک صحرا با خون آنها آمیخته است، بالجمله چون در این اوقات که روسیه بحدود ایروان و نخجوان آمده بودند انواع بی اعتنائی از ایشان نسبت بعالیجاه موسی لازارخان و فرستاده اول که نوشته عالیجاه جنرال را برده بودند ظاهر گردید. از قوار شرحی که گودویچ سردار روسیه بنواب والا و کارگزاران سرکار قلمی داشته بود کمال بی اعتنائی او نسبت به دولت علیه دائمه القرار فرانسه استنباط می شد نواب والا با احتیاط اینکه مبادا خدا نخواستہ ضعف و فتوری از طرفی به عساکر ظفر مآثر فرانسه رسیده باشد تاتاری علی التعجیل تعیین و شرحی به عالیجاه موسی میور مرقوم داشتم که اوضاع دولت علیه فرانسه را خود بزودی قلمی و حکم محکم را نیز به آنعالیجاه ابلاغ نماید.

به آن عالیجاه نیز مقرر می شود که در رسیدن حکم والا حقایق اوضاع آنحدود و مؤده استقرار کار اعلیحضرت قدر قدرت شعار امپراطور اعظم عم اکرم را علی التفصیل قلمی و عرض نماید که خاطر عطوفت ذخائر والا از این رهگذر قرین استظهار و اطمینان بی منتهی گردد و همه وقایع این حدود را نیز که به آن عالیجاه مرقوم داشته ایم حالی و خاطر نشان کارفرمایان دولت علیه فرانسه نموده ایشان را از مراتب بی اعتنائی های روسیه به دولت علیه فرانسه و به سخن و قرارداد عالیجاه جنرال مشارالیه مستحضر سازد و عنایات خاطر والا را در باره خود کامل دارند و در عهده شناسند تحریراً فی شهرذی العقده. ۱۲۲۳^(۱) سند شماره ۹۸

3

Handwritten text in a circular arrangement at the top of the page, likely a title or header.

Handwritten text in a circular arrangement on the right side of the page.



Main body of handwritten text in Persian script, starting with 'بسم الله الرحمن الرحیم' and continuing with several paragraphs.

Continuation of handwritten text in Persian script on the right side of the page.

شاه ایران وقتی از کمک ناپلئون مایوس می‌گردد ناچار متوجه انگلیسها می‌شود و با آنها قراردادی بر علیه روسیه می‌بندد در صورتیکه انگلیس با روسیه متحد شده است و برخلاف تصور دولت ایران کوشش در حفظ منافع روسها دارد، ولی وقتی روسها وارد تبریز شدند و خیال حرکت به سوی تهران را داشتند، انگلیسها به وحشت می‌افتند و برای هندوستان احساس خطر می‌کنند. آنها از طرف ناپلئون نگران بودند حال خود پای روسها را به ایران و در نتیجه به سمت هندوستان باز کرده بودند، بهمین جهت ایران را مجبور می‌کنند که از روسها تقاضای صلح نماید و چون دولت ایران حاضر نمی‌شود، افسران خود را از قشون ایران احضار می‌نمایند که منجر به شکست ایران می‌گردد و ایران مجبور می‌شود پیشنهادات روسها را بپذیرد.

فتحعلیشاه تصور نمی‌کرد که ناپلئون امپراطور مقتدر اروپا به قول خود وفا نکند و یا دولت انگلستان با ایران عهد مودت و دوستی ببندد و در خفا با دشمن او بر علیه او متحد شود.

چون اولین مرتبه است که ایران گرفتار سیاست‌های استعماری می‌شود و آشنا به رموز آن نیست نمی‌داند که کشورهای قدرتمند در راه اجرای برنامه‌های خود همه فضائل انسانی و وظایف اخلاقی را نادیده می‌گیرند و برای رسیدن به اهداف خود همه چیز را زیر پا می‌گذارند.

کشورهای ضعیف همیشه در طول تاریخ همین وضع را داشته‌اند و رفتار غالبین را خلاف عدالت و اصول اخلاقی دانسته‌اند اما وقتی خودشان قدرت پیدا کردند همان روش را نسبت بدیگران به کار برده‌اند که خود از آن انتقاد می‌کرده‌اند.

تاریخ جهان شرح این برخوردها و موفقیت‌ها و ناکامیها است که همیشه تکرار می‌شود در حقیقت انسانها در طول تاریخ یا پتک بوده‌اند یا سندان.

در نتیجه اجرای سیاستهای استعماری و ارتباط اروپائیان بامردم مشرق زمین بخصوص با مردم ایران، فرهنگ مغرب زمین در ایران و کشورهای دیگر رواج پیدا کرده و تحولاتی انجام گرفته که آثار آن در معماریهای این دوره و سایر آثار هنری و سازمانهای اداری و اجتماعی دیده می‌شود.

تغییرات در سازمانهای فرهنگی و آموزشی، تشکیلات دادگستری، ایجاد راهها و تعمیر جاده‌ها برای بسط تجارت و حمل مواد لازم به خارج کشور برای استفاده در کارخانه‌های کشورهای خارجی، نشر روزنامه و اعزام جوانان به اروپا برای کسب علوم جدید از نتایج اجرای سیاستهای استعماری کشورهای اروپایی است.

قسمت پنجم

سازمان‌های اداری

سازمان‌های اداری

تأسیسات نظامی

کشور ایران در این دوره، مرکزیت استراتژی و امنیت، بر روی محور قاصد و امنیت استراتژی قرار گرفته است. این سازمان‌ها در قفسه‌ها که مسئولیت جنگ و صلح و امنیت حقوق آنها است، در امور تأسیسات نظامی و امنیت ملی، بر روی محور امنیت ملی و امنیت ملی قرار گرفته است. این سازمان‌ها در قفسه‌ها که مسئولیت جنگ و صلح و امنیت حقوق آنها است، در امور تأسیسات نظامی و امنیت ملی، بر روی محور امنیت ملی و امنیت ملی قرار گرفته است.

سازمان‌های اداری

تشکیلات نظامی

قشون ایران در این دوره مرکب است از سوار و پیاده که در موارد لزوم فرمانداران و حکام ولایات، بدون هیچ قاعده و اساسی از افراد قلمرو خود جمع می‌کردند. و به لشکرگاه می‌فرستادند، این سربازان تا وقتی که مشغول جنگ بودند، مخارج آنها به توسط رؤسای آنها فرستاده می‌شد و البته وضع پرداخت حقوق آنها مانند جمع‌آوری سپاه، هیچ قاعده و حسابی نداشت. (۱)

در دوره سلطنت آقامحمدخان تمام کارهای مربوط به امور نظامی، توسط یکنفر به نام لشگر نویس اداره می‌شد، ولی در زمان سلطنت فتحعلیشاه که در حقیقت نظام جدید ایران از آن موقع شروع می‌شود، در ارتش ایران تغییرات زیادی داده شد و به جای یک لشگر نویس، چند لشگر نویس امور مربوطه را اداره می‌کردند و میرزا اسدالله خان نوری که ریاست آنها را به عهده داشت، به لشگر نویس باشی ملقب گردید که بعدها دارنده این شغل را وزیر لشگر می‌گفتند. (۲)

در زمان فتحعلیشاه در قشون، ایران به سبک اروپا، تعلیمات نظامی جدید برای سربازان اجراء شد و عده‌ای داوطلب از ایالات بخصوص از آذربایجان جمع‌آوری کردند و آنها را تعلیم دادند تا در موارد ضروری از آنها استفاده شود.

۱ - امیرکبیر و ایران - دکتر فریدون آدمیت ص ۲۱۷

۲ - شرح زندگی من - عبدالله مستوفی - جلد دوم - ص ۱۰۱

اگر تاریخ تحولات نظامی را در دوره قاجاریه مطالعه کنیم، خواهیم دید که شروع این تغییرات از زمانی است که انگلستان برای حفظ هندوستان متوجه ایران گردید. در اوایل قرن ۱۹ یک عده صاحب منصب را به اتفاق پسر جان ملکم به ایران فرستاد، بعدها یک هیئت نظامی هم از طرف ناپلئون به ریاست ژنرال گاردان با چند تن از افسران کار دیده به ایران آمدند. فتحعلیشاه برای اینکه بهتر بتواند در اصلاح قشون ایران موفقیت حاصل کند معاهده‌ای در ۱۶ ماده با ناپلئون منعقد کرد، به موجب این معاهده که به معاهده فین کین اشتاین معروف است، هیئتی از جانب ناپلئون به ریاست سرتیپ گاردان، آجودان مخصوص امپراطور، عازم ایران شد.

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون

بر آئینه رأی جهان آرای خسرو مملکت فزا، خدیو کشور گشا، فیلقوس با داد و دانش، اسکندر بر ترمنش زمین قرار آسمان مدار کیوان دژ مشتری سیر مریخ مخبر آفتاب موهبت ناهید عشرت عطارد رقم ماه علم انجم حشر ثریا افسر، لنگر سفینه جلال، موجه لجه اقبال روزگار نایبه تاب داور کامیاب یگانه دهر و دور امپراطور نیکو اطوار عم تاجور همایون اختر دام اقباله منطبع و مرتسم می‌دارد که چون باراده داور بیچون از بدو دوستی این دو دولت روز افزون تاکنون همواره بر مراتب مطابقت افزوده بینهما مودت باطنی بی اختیار ظاهر می‌گردد در این اوقات بجهت نشان و زمان سعادت اقتران که فطانت پناه کیاست همراه زبده الاکفا و الاشباه موسی وردیه روانه آستانه شوکت عظمی بود اظهار موافقت را بهانه رو نمود و بتحریر این موفقیت نامه پرداخت و چون مشارالیه در اوقات توقف اینحدود مجاهد موفور در تعلیم و تنظیم سربازان این دولت بظهور رسانید و تلافی خدمات او موقوف بشمول عواطف بینهایت اعلیحضرت امپراطوری است لهذا توقع از کرایم اطوار شاهانه چنان است که مومی الیه را بعنایتی خاص مخصوص دارند و این نیازمند را نیز بمقتضای ملکات شاهانه از ارسال نامه‌های همایون و مزده فتوحات لشکر نصرت نمون مسرور و خرسند دارند. تا انجمن سپهر آراسته پماه و مهرست همواره مراد خاطر خلعت ذخایر مدار دور سپهر باد. (۱) سند شماره ۹۹



سند شماره ۹۹-۱. نامه عباس میرزا به ناپلئون

نامه فرخ خان سفیر ایران به وزیر جنگ فرانسه

«جنابا، جلالت نصایب، فخامت و مناعت انتباهها، دوستان استظهارا، مشفقاً معظماً:

چندی پیش از این اولیای دولت علیه از اولیای دولت بهیة فرانسه خواهش چند نفر صاحب منصب نظامی نموده بودند که تفصیل و عدد و مناصب آنها را بآنجناب رسانیدم و حال اولیای دولت علیه بموجب نوشتجات تازه یکتفر نایب توپخانه علاوه بر آن صاحب منصبان سابق ساخته‌اند. چون مراجعت دوستدار حسب‌الحکم اولیای دولت علیه عنقریب است لهذا متوقعم که لازمه محبت و دقت و اهتمام را در انتخاب و انجام و قرار ایشان مبذول دارند. زیاده ایام جلالت و سعادت بکام باد. تحریراً فی بیست و هشتم شهر ربیع‌الاول ۱۲۷۴

محل مهر:

سفیر دولت علیه ایران

امین‌الملک فرخ خان - ۱۲۷۳

جنانکه از دست حضرت پادشاهان
 شاهنشاهی

چند سر پیش ازین او بیرون است
 بعد از او بیرون است بنام فرزندش

چند نفر در حین سفر نموده
 که شخص دعوت داشت را بنام

صل او بیرون است بعد از
 بنام کثیر است که در میان

مخبر سابق شده چون جهت
 استند حکم او بیرون است

مخبر است که از طرف
 دولت و بنام ملوک است

۱۲۷۴
 و اسامی پیش ازین
 در نامه بام دولت حکم
 در حین سفر



ماده ششم قرارداد که در خصوص ارتش ایران بود چنین است «چون اعلیحضرت پادشاه ایران مایل است که پیاده نظام و استحکامات خود را بر طبق اصول اروپایی منظم نماید اعلیحضرت امپراطور فرانسه و پادشاه ایتالیا متعهد می‌شود که توپهای صحرائی و تفنگ‌ها و سرنیزه‌هایی را که اعلیحضرت پادشاه ایران لازم دارد برای او تدارک نماید قیمت این اسلحه‌ها مطابق ارزش آنها در اروپا محسوب خواهد شد.»

ماده هفتم «اعلیحضرت امپراطور فرانسویان و پادشاه ایتالیا بر عهده می‌گیرد که هر اندازه صاحب منصب توپخانه و مهندس و پیاده نظام که اعلیحضرت پادشاه ایران وجود آنها را برای تحکیم قلاع و تنظیم توپخانه و پیاده نظام ایران بر طبق نظام اروپایی لازم بشمارد، تحت اختیار او بگذارد»

سرتیپ گاردان برای اجرای این ۲ ماده از معاهده (۶ و ۷) فین کین اشتاین و برداشتن نقشه از راهها و معابر و بنادر ایران و تعلیم سپاه و ساختن قلعه‌ها و تهیه مقدمات حمله به هندوستان با ۷۰ صاحب منصب و مهندس و نقشه‌کش و منشی و مترجم عازم ایران شد.

از این عده، غیر از گاردان که ذکر او گذشت فابویه و ربول در اصفهان به ساختن توپ و تشکیل صنف توپخانه مشغول شدند و به خوبی از عهده این کار برآمدند و وردیه در آذربایجان به تعلیم سربازان پیاده و سواره پرداخت و لامی به تعمیر و ساختن قلاع در آنجا مشغول گردید. و بعضی نیز به کردستان رفتند، تا کردان زیر دست محمدعلی میرزا دولت‌شاه را تحت نظم و انضباط در آورند.

ناپلئون بنا بر مصلحت خود با روسیه سازش کرد، بدون این که در برگرداندن گرجستان به ایران اقدامی کند، حتی در مذاکرات خود با تزار گفت، من ترجیح می‌دهم که ایران تحت نفوذ شما باشد نه انگلستان در نتیجه این تغییر سیاست، ژنرال گاردان و همراهانش ایران را ترک کردند به همین جهت اقدامات مفیدی که آنها در مدت یکسال اقامت در ایران شروع کرده بودند متوقف گردید. (۱)

تنها نتیجه‌ای که داد این بود که دولت ایران به تعلیمات نظام و اسلحه جدید آشنا گردید. وردیه در مدت کمی، چهارصد نفر را به وضع نظام اروپایی مسلح کرد و فابویه ۲۰ عراده توپ ساخت. (۲)

خلاصه اقدامات هیئت فرانسوی با ورود سرهرفورد جونز سفیر انگلیس، متوقف ماند. و سرجان ملکم بار دیگر به ایران آمد و چند صاحب منصب انگلیسی را از هندوستان به همراه خود به ایران آورد.

۱- روابط ایران و روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم - تاج‌بخش - ص ۵۱

۲- از سخنرانی‌های سعید نفیسی ص ۸۰

سیاست انگلیسی‌ها در این زمان، تقویت ایران برای دفاع از هند بود و روی همین سیاست با ایران معاهده تدافعی و تعرضی بستند، به موجب این معاهده دولت انگلیس متعهد شد که سالی صد و بیست هزار لیره به ایران بپردازد و عده‌ای صاحب منصب در اختیار دولت ایران بگذارد. این صاحب منصبان وقتی به ایران رسیدند که هنوز دوره اول جنگهای ایران و روس ادامه داشت و دولت ایران کمال احتیاج به وجود آنها را حس می‌کرد.

مشهورترین این صاحب منصبان انگلیسی که به همراهی سرجان ملکم به ایران آمدند، یکی کریستی است که درجه سرگردی داشت و به تعلیم پیاده نظام ایران در آذربایجان مشغول شد، دیگری لندنزی که در اصلاح و تهیه توپخانه آذربایجان رنج بسیار برد و نتایج عالی گرفت.

این هیئت هم چنان مشغول اصلاح قشون ایران بودند، که اگر ادامه می‌یافت نتیجه و ثمره خوبی برای قشون ایران در برداشت، اما دیری نگذشت که در نتیجه تغییر سیاست انگلیسی‌ها در ایران، به علت رفع خطر از هند و کنار آمدن دولت انگلیس با رقبای خود، وسایل تضعیف قوای نظامی ایران را به دست روسها فراهم ساختند، زیرا به نظر آنها قوای نظامی ایران فقط باید به نفع امپراطوری انگلیس و دفاع از هند مورد استفاده واقع گردد و در غیر این صورت وجود آن غیرضروری است بلکه با بودن آن، موقعیت افغانستان با خطر مواجه می‌شود.

حال به بینیم چه نتایجی از آمدن هیئت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی عاید دولت ایران گردید.

بر اثر آمدن هیئت‌های مزبور و زحمات آنها در راه اصلاح نظام لشگری و ساختن توپ و قلاع و ترجمه کتب نظامی و تعلیم السنه خارجه، روح تازه در کالبد نیمه مرده سپاه ایران دمیده شد و مقدمات نهضت مهمی در ایران شروع گردید، به خصوص که عباس میرزا و میرزا بزرگ زحمات زیادی در این راه متحمل شدند.

میرزا بزرگ در جمع کردن اطلاعات و تهیه نقشه‌های نظامی و ترجمه کتابهای مربوط و عباس میرزا در مطالعه و تهیه لوازم لشگری کوشش می‌کردند.

ولیعهد برای انجام امور نظامی، ارک علیشاه را در تبریز به قورخانه تبدیل کرد و یک عده از متخصصان و استادان و کارگران ایرانی در آنجا مشغول ساختن لوازم توپ و تفنگ و غیره گردیدند. در اوائل قرن سیزدهم هندوستان با ایران روابط نزدیکتری پیدا کرد و حکومت هند در حقیقت بریتانیای کبیر، مقادیری اسلحه و مهمات نظامی به شاه ایران اهدا کرد و یک هیئت نظامی به ایران فرستاد.

اگر چه این هیئت مدت دو سال در ایران به کار تعلیم نظامیان و تهیه اسلحه مشغول بود، ولی به علت اختلافی که همیشه بین آنها و سران سپاهی ایران و رؤسای ایلات بروز می‌کرد و هم چنین بی میلی محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی در حمایت از صاحب منصبان، از اقدامات این هیئت نتیجه مهمی به دست نیامد و امری که بیش از همه شکست کار صاحب منصبان انگلیسی را موجب شد، نظریات سیاسی آنها بود، به این معنی که تمام جد و جهد دولت انگلیس و حکومت هندوستان برای اصلاح نظام لشکر ایران و تهیه سپاه منظم و قوی در این سرزمین، برای آن بود که در مقابل اقدامات آینده دولت روسیه سد و مانعی ایجاد نماید. اما چون نفوذ روسیه بعد از معاهده ترکمن‌چای در دربار تهران روز به روز زیادتر می‌شد محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی آلت اجرای مقاصد آن دولت بودند و انگلیسی‌ها طرف بی‌مهری و بی‌اعتنائی قرار گرفتند و مردم علناً به آنها بد می‌گفتند و هیچ علاقه‌ای به ماندن آنها نداشتند، به خصوص که انگلیس‌ها بیشتر مامورین سیاسی دولت انگلیس و حکومت هند بودند و فقط به نفع کشور خود کار می‌کردند و اگر مصلحت اقتضاء می‌کرد از پشت پا زدن به منافع و مصالح ایران هیچ مضایقه نداشتند، بنابراین دولت ایران از این هیئت نظامی هم برای اصلاح وضع قشون نتیجه به دست نیاورد و خواه و ناخواه این افسران ایران را ترک کردند. محمدشاه حسینخان نظام‌الدوله را به عنوان سفارت به اروپا فرستاد، او توانست با مترلینگ صدراعظم معروف اطریش، وارد مذاکره شود و عده‌ی افسر برای تعلیم فرج‌های جدید استخدام کند ولی با ناخوشی شاه و بی‌اطلاعی حاجی میرزا آقاسی از فن نظام، چندان پیشرفتی در این کار حاصل نشد.

در شهرستانها که فرماندهان قشون از متنفذان محلی بودند، توجه زیادی به دستورات مرکز نمی‌کردند و طرز تربیت سربازان به وسیله آنها با نظام جدید هم آهنگ نبود. از طرف دیگر حقوقی که برای سربازان از مرکز فرستاده می‌شد، کمتر به دست آنها می‌رسید زیرا فرماندهان محلی قسمتی از آن را به نفع خود ضبط می‌کردند. در مرکز، همین رویه تا حدودی رواج داشت. بنابراین سربازان مجبور بودند به غیر از چند ساعتی که در سربازخانه مشغول تعلیمات نظامی بودند، بقیه ساعات روز را در شهر به کسب و کار بپردازند. این وضع در نظام ایران تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه ادامه داشت در این دوره تشکیلات نظامی ایران مانند سایر سازمان‌های کشور دچار تحولات و تغییرات زیادی شد و قسمت عمده این تحولات و اصلاحات به دست توانای قهرمان ملی ایران «میرزا تقی خان امیرکبیر» صورت گرفت.

در موقعی که امیرکبیر در آذربایجان بود، در اثر تماس مستقیم با صاحب منصبان خارجی و

مسافرت به کشورهای دیگر، به تعلیمات نظامی جدید آشنا شد و با مشاهده آرتش روسیه و کارخانه‌های اسلحه سازی به فکر توسعه و اصلاح قشون ایران افتاد و به همین جهت پس از رسیدن به صدراعظمی، اعتبار زیادی برای اصلاح قشون در نظر گرفت و هر سال موقع نوشتن دستورالعمل مالی، تعیین می‌گردید که هر ولایت چند فوج سرباز لازم دارد، تا مصارف ۶ ماهه آنها در دستورالعمل ولایت پیش‌بینی شود.

به ترتیب فوق، او توانست صد هزار نفر پیاده و سی هزار نفر سواره و عده لازم توپچی آماده نماید که هر وقت برای جنگ لازم باشند از آنها استفاده کنند، ضمناً لباس این قشون هم متحدالشکل گردید.

دوختن تکمه‌های شیرخورشید نشان به لباس نظامیان، از این زمان در ایران معمول شد. لباس نظامیان را به دستور امیر، از شال مازندران و سایر پارچه‌های وطنی تهیه می‌کردند.

برای این که از وضع و تشکیلات ارتش ایران در این موقع اطلاعات کافی داشته باشیم، ترجمه عین شرح مندرج در کتاب بینیک سیاح انگلیسی معاصر امیرکبیر را در اینجا نقل می‌کنم «سپاه ایران اکنون تشکیل یافته است از ۵۰ هنگ پیاده نظام و ۱۲ دسته سواره نظام به علاوه دو هزار توپچی. هر فوج پیاده نظام از هزار نفر تشکیل یافته که شامل هشتصد سرباز و ۱۵۰ نفر افسر و پنجاه خدمتگزار است.

حقوق هر سرباز سالی ۷ تومان بود جیره روزانه نیم من تبریز نان. هر هنگ به ده دسته تقسیم می‌شود در راس هر دسته یک سلطان قرار دارد و مواجب او ۷۰ تومان در سال است و ۲ نایب که هر یک سالی ۳۰ تا ۴۰ تومان و دو بیگ زاده که در عقب و پشت سر فوج حرکت می‌کنند و هر یک سالی ۱۰ تومان می‌گیرند. هر هنگ تحت فرماندهی یک سرهنگ است که سالی پانصد تومان دریافت می‌دارد و زیر دست او دو نفر یاور هستند که هر یک سالی ۱۵۰ تا ۲۵۰ تومان می‌گیرند در راس هر فوج یک سرتیپ قرار دارد که حقوق او سالی هزار تومان است و افراد دیگر دسته هر یک ۸ تا ۱۵ تومان دریافت می‌دارند.»

«سواره نظام بر دو قسم است غلام رکاب یا گارد شاه و ولیعهد و غلام سوار یا سواره نظام معمولی - غلام رکاب که دنبال شاه حرکت می‌کرد تعدادشان تقریباً ۴۰۰ نفر و بسیار مورد توجه بودند و هر یک سالی ۶۰ تومان دریافت می‌داشتند. جیره روزانه هر غلام رکاب یک و نیم من نان و ۴/۵ من جو و گاه می‌باشد و هر ۱۰ تن از آنها تحت فرمان یکنفر «ده باشی» و هر صد تن غلام زیر فرمان یکنفر «بوز باشی» که حق او سالی ۵۰۰ تومان. هر غلام سوار یا سواره نظام معمولی سالی

۱۰ تا ۱۵ تومان حقوق می‌گیرد جیره روزانه آنها نیم من نان و یک و نیم من جو و ۳ من کاه است هر پنجاه نفر به فرمان یک سلطان است که سالی ۵۰ تومان می‌گیرد زیر دست سلطان ۲ نفر نایب قرار دارد که سالی ۳۰ تومان حقوق دریافت می‌کنند دیگر دو نفر وکیل و دو نفر سرجوخه که ۱۵ تومان حقوق جهت آنها تعیین گردیده است.^(۱)

امیرکبیر برای اینکه قشون ایران را مجهز و به سبک اروپایی در آورد، چندین کارخانه اسلحه سازی در شهرهای مختلف ایران دائر کرد، بطوری که شمشیرها و تفنگ‌هایی که در این دوره ساخته می‌شد با بهترین تفنگ‌های دول اروپایی رقابت می‌کرد. دیگر از نقشه‌های مورد نظر امیرکبیر، تأسیس مدرسه نظام و استخدام صاحب منصبان و استادان خارجی در این رشته بود.

از نتیجه فعالیت و اقدامات امیرکبیر، قشون نامنظم ایران وضع تازه‌ای پیدا کرد و از لحاظ انضباط و تعلیمات مثل قشون کشورهای اروپایی گردید. با اصلاحات نظامی میرزا تقی خان امیر نظام، مقرر شد که مالک هر ناحیه متناسب با مالیاتی که می‌پرداخت عده‌ای سرباز آماده داشته باشد و در موقع لزوم به مرکز بفرستد این سربازان ۶ ماه از سال را خدمت می‌کردند و بقیه ماهها به دهات خود می‌رفتند در سال ۱۳۰۷ ق. فرمانی صادر شد که در هر ده از ۱۸۰ نفر مسلمان یک مرد بایستی به خدمت نظام در آید و هر ۱۸۰ نفر غیر مسلمان بایستی سالیانه ۱۵۰ تومان بپردازند. در موقع سربازگیری نمایندگان به دهات می‌رفتند و افراد ثروتمند را از خدمت سربازی معاف می‌کردند. این نیروی نظامی که از دهات جمع‌آوری می‌شد در موقع کاشت و درو محصول غبیت می‌کردند و به دهات خود می‌رفتند.

بعد از فوت ناصرالدین شاه به علت بی‌لیاقتی اولیاء امور، وضع ارتش ایران متزلزل گردید. قزاقها از وزارت جنگ اطاعت نمی‌کردند، فوج بختیاری‌ها هم که قوه جنگی دیگر بودند، جز از رؤسای خود از هیچ کس اطاعت نمی‌نمودند. و این وضع تا اواخر دوره قاجاریه ادامه داشت.

گاسپار دروویل افسر فرانسوی درباره ارتش ایران می‌نویسد:

«ارتش ایران از دو قسمت تشکیل می‌شود: قوای منظم و قوای غیر منظم

قوای منظم دائمی نیست و پس از پایان جنگ به مشاغل اولیه خود مشغول می‌گردند، قشون اصلی سواره نظام که تعداد آن سه برابر پیاده نظام است.

سواره نظام به چند دسته تقسیم می‌شود: سوارهای زره‌دار که عده آنها بیست هزار نفر است و

همیشه در خدمت شاه هستند و سلاح آنها فقط نیزه و شمشیر است و نیزه‌های آنها از چوب بامبو ساخته شده که بسیار سخت است و هرگز نمی‌شکند.

دسته دوم غلام‌ها هستند که اسلحه آنها طپانچه و شمشیر و قره‌بینه است در این دسته سلسله مراتب وجود ندارد و همه از یک نفر که رئیس آنها است اطاعت می‌کنند.

دسته سوم غلام‌های تنگچی که مثل سواره نظام اروپایی مجهز و تربیت شده‌اند که هم سواره می‌جنگند و هم پیاده.

دسته چهارم سواره نظام ولایات که تعدادشان زیاد است و سلاح آنها ثابت و مشخص نیست، بعضی تنگ و بعضی نیزه دارند و شجاع‌ترین سواران ایران هستند.

دیگر گارد محافظ شاه که دوازده هزار نفر پیاده و از قوی‌ترین جوانان هستند و آنها را جان‌باز می‌گویند.

علاوه بر دسته فوق، فتحعلیشاه یک فوج از افراد ایل قاجار تشکیل داده که تعداد آنها ۴۰۰ نفر است که مورد اطمینان شاه هستند.

لباس سربازان نیم تنه از ماهوت سبز با یقه و سرآستین قرمز و دگمه‌های زرد با شلوار گشاد از کتان است.»

در دوران افشاریه، کلاه افسران و سربازان دارای کنگره است، در دوره زندیه کلاه مدور و در دوره قاجار کلاه دراز و نوک تیز است.

نقش روی بیرق در دوره افشار شیر و خورشید و گاهی ساده است؛ در دوره زندیه گاهی نقش شیر و خورشید در روی بیرقها دیده می‌شود و گاهی **یاکریم**.

در دوره قاجاریه روی بیرقها فقط نقش شیر و خورشید است که به عنوان علامت رسمی کشور ایران انتخاب شده.

در آرتش دوره افشار شتر در حمل زنبورک به کار گرفته شده دیگر آنکه تبریز در این دوره جزء اسلحه سربازان و افسران است. (اشکال ۲۹۹ تا ۳۰۲)

ناصرالدین شاه علاوه بر توجه به مسائل اقتصادی و سیاسی در تقویت قدرت نظامی نیز کوشش بسیار کرده و علاقه‌مند بوده که سربازان از همه جهت در رفاه باشند و حقوق و مقرری آنها به موقع داده شود او در این مورد دستورات لازم صادر می‌کرده است و به تمام مامورین دستور می‌داد که بطور مرتب از وضع سربازان و قدرت نظامی محلی او را مطلع نمایند.